

### معنی لغات جدید درس اول و ستایش

دمی: لحظه ای	جوی: پیدا کن	بود: باشد، هست	صبحگاه: هنگام صبح
نهان: پنهان، مخفی	نشان: نشانه، علامت	جهان افروز: روشن کننده ی جهان	غوک: غورباغه
داوری: قضاوت کردن	نیلی: آبی تیره کبود رنگ	برکه: آبگیر، گودالی که در آن آب جمع شده باشد	
انبوه: زیاد، فراوان	زینت داد: تزیین کرد	گلگون: سرخ رنگ	تاب نیاوردند: تحمل نکردند
صنوبر: نام درخت	جلا دادن: شفاف و پاکیزه، صاف و براق	قشر: لایه	دل انگیز: زیبا، جالب
چیره دست: ماهر، استاد، زبردست	معرفت: شناخت	شگفت انگیز: عجیب و غریب، تعجب آور	
پذیرفت: قبول کرد	آویخت: آویزان کرد	ارغوانی: قرمز مایل به بنفش	بگشود ص: باز کرد
رمه: گله	پهنه ی دشت: سطح دشت	نشانید: گذاشت، قرار داد	سراغ: پی چیزی رفتن، دنبال

### واژگان هم خانواده

(صبح - صبحگاه - صبحانه)	(جوی - جوینده)	(روشن - روشنایی)
(بقیه - باقی)	(هنرمند - هنرنا - هنر)	(طبیعت - طبع - طبیعی)
(اثر - تأثیر - موثر)	(معرفت - عرفان - تعریف - معروف)	(تصویر - مصوّر - تصاویر - صورت)
(مزارع - مزرعه - زراعت - زرع)	(مهاجر - مهاجرت - هجرت)	(نقش - نقاش - نقشه)
(هوش - هوشیار - باهوش - هوشمند)	(قشر - اقشار)	(زینت - تزیین)
(پهن - پهنه - پهناور)	(منظره - نظر - ناظر - نظارت)	(انتظار - منتظر)

### واژگان متضاد

هست = نیست	متصل = جدا	سوال = جواب	دیدم = ندیدم
آهسته = سریع	نهان = آشکار	نیکی = بدی	روشنایی = تاریکی

### معنی لغات جدید درس دوم

عده : مسئولیت      دلنشین : جذاب ، زیبا و قشنگ      لطیف : ملایم ، نرم      پیشین : قبلی ، گذشته  
پی در پی : پشت سر هم ، پیوسته      شگفتی : تعجب ، حیرت      کوچ : مهاجرت ، از جایی به جایی رفتن  
نهاده است : قرار داده است      معتدل : آب و هوایی که نه سرد باشد نه گرم      جامه : لباس  
پیمودن : طی کردن ، پشت سر گذاشتن      لطف : محبت ، مهربانی      جست : جهید ، پرید  
جنب و جوش : تلاش و فعالیت بسیار

### واژگان هم خانواده

(جمع - جامع - مجموع - جامعه - جمعه - جماعت)  
(مشغول - شغل - شاغل)  
(طولانی - طویل - طول)  
(اعتدال - معتدل - متعادل)  
(معلوم - علوم - علم - عالم - معلم - تعلیم)  
(سفر - مسافر - مسافرت)

### واژگان متضاد

اوایل = اواخر      معلوم = مجهول      طولانی = کوتاه      کمیاب = زیاد

### معنی لغات جدید درس سوم

آسیاب : دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم و جو و دانه های دیگر	حیات : زندگی
می لنگید : لنگان لنگان راه می رفت، در راه رفتن ناتوان بود	اساس : پایه بنیان
حدس زدم : گمان کردم ، پنداشتم ، فکر کردم	اثاث : وسایل ، ابزار
خار : تیغ	معذرت خواهی: عذرخواهی
زاغ : پرنده ای از خانواده ی کلاغ در اندازه و رنگ های مختلف	قضا : سرنوشت
حیلت ساز: حيله گر ، مکار	خوش آواز: خوش آواز ، خوش نوا
آواز : صدا ، بانگ ، نغمه ، سرود	روبهک : روباه کوچک
بربود: برود ، برد ، دزدید	طعمه: خوردنی ، خوراک

### واژگان هم خانواده

(حاکم - حکم - محکوم)	(گود - گودی - گودال)	(معذرت - عذر - عذرخواهی)
----------------------	----------------------	--------------------------

### معنی لغات جدید درس چهارم

حکیم : دانشمند، فیلسوف، طبیب (پزشک)      قصد : اراده کردن، نیت، میل      افزوده می شد: اضافه می شد  
بر افراشته : بالا برده، بالا گرفته شده      چاره : راه حل، تدبیر      نیک نامی : خوش نامی، معروف به خوبی  
تعلیم: یاددادن

### واژگان هم خانواده

(قدیم - قدما - قدمت)      (قصد - مقصود - مقصد)      (فکر - افکار - تفکر - متفکر)  
(حال - احوال - حالت)      (حاضر - حضور - حضرت)      (حرکت - متحرک - تحرک)  
(نجات - منجی - ناجی)      (علاقه - علاقمند - تعلق)

### معنی لغات جدید درس پنجم

غلام : خدمتکار ، نوکر	کارمت : که برایت بیاورم	ارمغان : هدیه ، سوغات
گریستن : گریه کردن	خواجه : بزرگ ، سرور، تاجر	قضا : سرنوشت، تقدیر
حبس : زندان ، بازداشت	شکر سخن : شیرین سخن ، شیرین گفتار	خطه : سرزمین
بازرگان: تاجر	گران بها: قیمتی ، باارزش	کان: که آن
صحنه: منظره ای واقعی یا خیالی که رویدادی را نشان می دهد.	زین: از این	خام : بیهوده، ناپخته، نسنجیده
تجارت : بازرگانی، داد و ستد، معامله	تپید : جنبید، حرکت کرد ، بی قرار شد	راس : واحد شمارش چهارپایان
شادکام: خوشحال	کنیزک: خدمتکار، زنی که برده باشد	بازگو: بیان کردن، دوباره گفتن
همتا : مانند، مثل	زهره اش بدرید : ترسید	دلداری دهد: همدردی کند، غم خواری کند
بند : طناب ، ریسمان	کول : شانه و دوش	قافله : کاروان ، گروه همسفر
		مرغان : پرنندگان

### واژگان هم خانواده

(شگفت زده - شگفت انگیز)	(مشتاق - اشتیاق - شوق)	(پیام - پیام رسان - پیامبر)
(موضوع - وضع - اوضاع)	(شرمنده - شرمسار - شرمگین)	(شکایت - شاکی)
(سکوت - ساکت)	(تجارت - تاجر - تجار)	

### معنی لغات جدید درس ششم

افراسیاب : فرمانده ی سپاه توران	سرپنجه : نیرومند، توانا	سرانجام : عاقبت و پایان کاری
خاور:مشرق(متضاد باختر، مغرب)	بی تابی : بی قراری، نا آرامی	کمان : ابزار تیراندازی چاره: راه حل
سامان دادن : به ترتیب چیدن ،منظم کردن	تیزبال : سریع ، تیزبال	رشید: راست قامت ، دلاور
نقص :عیب ، کمی، کاستی	استوار : پابرجا ، پایدار، محکم	پولادین: ساخته شده از فولاد،محکم،نیرومند
تناور: تنومند ، درشت پیکر ، دارای ساقه ی بزرگ و قوی	زمزمه: آوازی که به آهستگی و زیرلب خوانده شود.	
توران : نژادی ایرانی	بردباری: صبر ،شکیبایی	اندوه: ناراحتی ، غم ،غصه
اندوهگین : غمگین ، غصه دار ، سوگوار	تحقیر : خوار کردن ، کوچک شمردن	سرپنجه : نیرومند، توانا
بی تاب: بی قرار ، نا آرام	ماهر: استاد	نیم روز : میان روز ، وسط روز
تیغه : لبه ی شمشیر	گهر : گوهر ، مروارید	برآن: تیز ، برنده برق : صاعقه
گوهر فشانی : پراکندن مروارید	دیرین: قدیمی	چابک: تند و سریع ، چالاک
چست: چالاک ، چابک	غرآن: غرش کنان، درحال غریدن	تیره: تاریک ، سیاه
تندر: بانگ رعد، صدایی که هنگام رعدو برق به گوش می رسد	پهن: گسترده	
وارونه : برعکس	بس: بسیار ، خیلی ، فراوان	اندر : در

### واژگان هم خانواده

(تحقیر - حقیر - حقارت)	(ماهر - مهارت)	(مشکل - اشکال)
(توانایی - توانا - توان - توانمند)	(رشید - رشادت)	(نقص - ناقص)

### واژگان متضاد

پیروزی = شکست	نامید = امیدوار	سختی = آسانی	آشتی = قهر
خاور = باختر	تنگ = گشاد	بی جان = جاندار	محکم = شل

### معنی لغات جدید درس هفتم

نشاط : شادی ، شوق	رخسار: چهره ، روی ، سیما	حضور: حاضر بودن ، وجود داشتن
انبوه : بسیار ، فراوان ، زیاد	هیجان : شور و شوق	خروشان : پرسرو صدا
اسقبال: به پیشواز کسی رفتن	غوغا : سرو صدا	پرتوان : با قدرت ، پرنیرو ، توانا
رخ: صورت ، چهره ، گونه	انتظار: چشم به راه بودن ، امید داشتن	تپش : تپیدن ، جنبش ، حرکت
لحظه شماری: انتظار کشیدن ، پیوسته منتظر کسی بودن		هین: بدان ، آگاه باش
هممه : سر و صدا	بالاخره : سرانجام ، عاقبت	لحظه : زمان خیلی کوتاه
بی صبرانه:زود ، بی طاقتی ، نا آرام	خیره شدن : توجه عمیق ، نگاه کردن به چیزی بدون چشم برداشتن از آن	
	برنا : جوان	مشام : بینی

### واژگان هم خانواده

(اشعار - شعر - شاعر)	(صبر - صبور - صابر)	(مشتاق - اشتیاق - شوق)
(فعالیت - فعال - فاعل - فعل)	(درس - مدرس - تدریس)	(متوجه - توجه)

### معنی لغات جدید درس دهم

رونق داشتن : خوب بودن وضع کسب و کار	حرفه : شغل ، پیشه ، کار	طبع : ذوق، استعداد
جويا : کنجکاو ، جستجوگر	اقامت گزیدم : درجایی ساکن شدم ، ماندم	کنج : گوشه
فروزان : تابان ، درخشان ، روشن	ذوق : شور و شوق ، علاقه . توانایی	قریحه : ذوق و استعداد
عاجز: ناتوان ، درمانده	استعداد : آمادگی ، توانایی	مقصود : خواسته ، آرزو ، نیت
لبریز : پر،لبالب	دایرشدن : تشکیل شدن ، ایجاد شدن	سرمشق : الگو، نمونه
فعال: پرکار ، کوشا	فعالیت: کوشش ، تلاش	مکتب : محل درس خواندن، نام مدرسه در قدیم
پرشور : پر حرارت ، با هیجان	اجتماع : گروه ، جمعی از دسته های انسانی	از پس : از پشت
اطفال : کودکان	ویژه : خاص ، مخصوص	ابداع : نوآوری ، چیزی را از نو پدید آوردن ، ایجاد کردن
بام : بالای ساختمان ، پشت بام	پشتکار : تلاش برای انجام کاری ، با علاقه کاری را پیگیری کردن	
پند : نصیحت ، اندرز	سرگذشت : شرح حال	اراده : خواست ، میل ، تصمیم
صبر : شکیبایی ، بردباری	خشنود : راضی ، خوشحال ، شادمان	آیت : نشانه
هما : پرنده ای افسانه ای که سایه اش باعث سعادت مندی می شود	ابوالعجائب : پدر شگفتی ها	
ماسوا: موجودات ، مخلوقات ، غیر از خدا	رخ : سیما ، صورت	مسکین : فقیر ، تهی دست
قسم : سوگند	کرم : لطف ، جوانمردی ، بزرگواری	نگین : سنگ قیمتی که رویانگشتر می گذارند
مدارا : با نرمی و ملایمت رفتار کردن	علم کند : معرفی کند ، برپا کند ، مشهور بسازد	

### واژگان هم خانواده

(کتاب - مکتوب - کاتب - مکتب)	(مقصود - قصد - قاصد)	(راضی - رضایت - مرضیه)
(قبول - قابل - مقبول)	(صبر - صبور - صابر)	



### معنی لغات جدید درس یازدهم

اعتقاد : باور، ایمان ، عقیده      محتاج : نیازمند      سقوط : افتادن      دژ:حصار ، حلقه

متجاوز: ستمگر، کسی که به دیگران ظلم می کند.      گذرگاه : محل عبور، جای گذر

وصف ناپذیر: غیر قابل توصیف، وصف نشدنی      سقا : کسی که به تشنگان آب می دهد.

نظاره می کرد : نگاه می کرد ، تماشا می کرد      مانع : جلوگیری کننده ، سد

ترجیح دادن : برگزیدن، کسی یا چیزی را بردیگری برتری دادن

تسخیر ناپذیر : مکان یا چیزی که به آسانی نتوان آن را به دست آورد ، مکان یا چیزی که دسترسی به آن دشوار است.

مسئولیت : سرپرستی یک کار مهم      عملیات : فعالیت ها ، کارها      دم : لحظه ، زمان کوتاه

مقابله : رویارویی ، مواجهه      بی وقفه : بی درنگ ، بدون توقف ، پشت سرهم

حمله : هجوم ، یورش ، تاختن

### واژگان هم خانواده

(منع - مانع - ممانعت)      (محتاج - احتیاج)      (وصف - توصیف)

(نظام - ناظم - نظم - منظم)      (مظلوم - ظلم - ظالم)      (تسلیم - اسلام - مسلم - مسلمان)

(شکر - تشکر - شاکر)      (اعتقاد - معتقد)

معنی لغات جدید درس دوازدهم

صمیمی : یکدل ، همدل	حومه : اطراف	سطر : یک خط از یک نوشته
حسرت خوردن : آه و افسوس کردن ، حسرت کشیدن		مختصر : کوتاه ، کم ، گزیده
اسرار : جمع سر ، رازها		لاشه : جسد

واژگان هم خانواده

(شوق - اشتیاق - مشوق - تشویق)

( مثل - مثال - امثال )

### معنی لغات جدید درس سیزدهم

ربّ جلیل : خدای بلند مرتبه، خدای بزرگ	عدل : انصاف ، عدالت ، رعایت برابری
بنده پروری : رفتار دوستانه داشتن ، مهربانی و لطف کردن	طغیان : از حد خود گذشتن ، بالا آمدن آب
حسرت : اندوه ، آه و افسوس	خرد : کودک ، کم سن و سال
وحی : آن چه از طرف خدا به پیامبران نازل شود.	درفکند : انداخت ، رها کرد ، افکند
شیوه : راه و روش	گاهوار : گهواره
شنیدستم : شنیده ام	شهباز: باز ، نوعی پرنده شکاری سفید با پنجه و منقار قوی
کهنسال : پیر	تاخت : حمله کرد
پران : درحال پریدن ، درحال پرواز	اجل : پایان زندگی ، زمان مرگ
نگون اقبال : بدبخت ، تیره بخت	زه : چله ی کمان
صلاح : شایسته ، مصلحت	حیّ داور: خداوند ، پروردگار
صیاد : شکارچی	پرشتاب : با سرعت ، پرشتاب

### واژگان هم خانواده

(جلیل - جلال) (باطل - ابطال) (عدل - عدالت - عادل) (لطف - لطیف - الطاف - لطافت)

### معنی لغات جدید درس چهاردهم

مشک : ماده ای روغنی که بسیار معطر و خوش بو است.      طبله : صندوقچه      عطار : عطر فروش

اندوخت : جمع کرد ، گردآوری کرد      آموخت : یاد داد ، یاد گرفت      غازی : جنگجو

قاضی : داور      پرهیز کردن : دوری کردن ، خودداری کردن از انجام کاری

طبل غازی : طبلی که در پیشاپیش لشکر به صدا در می آید ، طبل جنگی

### واژگان هم خانواده

(رنج - رنجور - رنجیده)      (عطار - عطر - معطر)      (ادب - مودب - ادیب - آداب)

(طلب - طالب - مطلوب)      (عالم - علم - علوم - معلوم)      (عمل - عملیات)

### واژگان متضاد

نادان = دانا      عالم = جاهل      بی ادب = با ادب      بلند آواز = خاموش

### معنی لغات جدید درس پانزدهم

بیشه : جنگل ، جنگل کوچک	خفته : خوابیده به خواب رفته	متغیر : خشمگین ، عصبانی
حول و حوش : اطراف ، دورو بر ، گرداگرد	صید : شکار	هراس : ترس ، احساس نگرانی
یک غازی : بی ارزش ، ناچیز	بازیگوش : کسی که بیشتر به فکر بازی و تفریح است.	
مغفرت : بخشش گناهان ، آمرزش	وحوش : جانوران وحشی ، جانوران اهلی نشده (جمع وحشی)	
موشک : موش کوچک	خطاکار : کسی که کار نادرستی انجام داد ، گناهکار	
حاصل کرد : به دست آورد ، کسب کرد	چار : چهار	رحم : مهربانی ، بخشیدن
سحر آمیز : جادویی ، بسیار شگفت انگیز	جست : جهید	

### واژگان هم خانواده

(متغیر - تغییر)	(مغفرت - استغفار)	(رحم - رحمان - رحیم)	(صید - صیاد)
(عوض - تعویض)	(حاصل - محصول - حصول)		

### معنی لغات جدید درس شانزدهم

معلّق : آویزان      واپسین : آخرین ، پایانی      فیلسوفان : جمع فیلسوف ، دانشمندان علم فلسفه

گریزان : گریزنده ، شتابان      فلان : اشاره به شخص نامعلوم      در گذرم : از دنیا بروم ، بمیرم

گویی : مثل اینکه ، مانند اینکه      منتظر : چشم به راه ، کسی که انتظار می کشد

دانش اندوزی : علم آموزی ، یادگیری ، فراگیری دانش      سپری شد : به پایان رسید ، به اتمام رسید

اتّفاق : رویداد ، پیشامد ، حادثه      جاهل : نادان ، بی خبر

واپسین : آخرین ، پایانی      برنا : جوان      فزای : بیفزای ، اضافه کن

رامش : آرامش ، آسودگی

### واژگان هم خانواده

(جهل - جاهل - مجهول)

(کشف - کاشف - مکشوف)

(شبهه - شباهت - تشبیه)

### معنی لغات جدید درس هفدهم و نیايش

دلنشين : جذاب ، زيبا و قشنگ	نمايان : آشكار	معرفت : شناخت	مجازي : غير واقعي
فناوري : استفاده از علم در كارهاي مختلف مانند پزشكي ، كشاورزي ، بازرگاني و ...			
فضل : بخشش	رحمت : مهرباني ، دلسوزي ، بخشايش	صواب : راست ، درست	
كامران : پيروز ، موفق	توفيق : موفقيت ، كاميابي	ذات : وجود ، هستي	لفظ : زبان
حامي : نگهبان ، پشتيبان	ناظر : نظاره گر ، بيننده	ثنا : ستايش ، ستودن	
احسنت : آفرين	علاّف : بيكار	صاحب : دارنده ، مالك	اثر : نشان ، علامت
عيب : نقص ، كمبود	باز : دوباره ، از نو	رطب : خرماي تازه	
منع كردن : بازداشتن ، دور كردن		مستجاب : پذيرفته شده ، بر آورده	

### واژگان هم خانواده

(نفس - تنفس) (عميق - عمق - اعماق) (واقعي - واقعيت - واقعا) (منتقل - انتقال)

### واژگان متضاد

مجازي = واقعي      حاضر = غايب      اولين = آخرين